

«جنبش انقلابی

مردم ایران

در سال‌های

نخست پس از

پیروزی انقلاب،

توانایی بالایی در

زمینه «نهادسازی

از پایین» از خود

نشان داد که

به واسطه آن خلاء

ناشی از فروپاشی

ساختارهای

قبلی قدرت و نبود

سازمان حزبی

مؤثر در جریان

انقلاب پر شد.

اجتماعی، نخبگانی که طیف وسیعی از اقدار جامعه را پشت سر خود دارند، به حوزه حساس ساخت دولت وارد می‌شوند و تصمیمات این نخبگان معمولاً بر پایه ارزش‌های مندرج در ایدئولوژی انقلاب که حمایت اکثریت را به خود جلب کرده، صورت می‌پذیرد؛ در نتیجه در این زمان مشارکت فعالی از بطن جامعه در ساخت نهاد‌های جدید صورت می‌پذیرد که می‌توان آن را با عنوان «نهادسازی از پایین» توصیف کرد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که نهادها، نهادر صورتی که با ارزش‌های جافتاده در جامعه هم‌خوانی پیدا کنند، امکان بازتولید و استمرار پیدا می‌کنند. (اونیل، ۱۳۸۵) تطبیق‌پذیری نیز یکی دیگر از ویژگی‌های نهادینه شدن است؛ به این معنا که نهاد‌های تازه تأسیس باید بتوانند کارکرد‌های خود را در شرایط متغیر محیطی حفظ و انسجام بخشند. (هانتینگتون، ۱۳۷۵) هم‌راستی نهاد‌های ایجاد شده با ارزش‌های مستقر و مورد حمایت اکثریت جامعه، مشارکت توده مردم در روند ساخت نهادها و سرانجام کارایی و تطبیق‌پذیری نهادها در شرایط متحول و متغیر انقلابی، جزء ویژگی‌های اصلی نهاد‌هایی هستند که در روند ساخت دولت و نهادسازی از پایین تولید می‌شوند.

### نهادسازی از پایین

دولت‌سازی پس از انقلاب، از نظر اهمیت عوامل درونی

و بومی در شکل دادن به نهاد‌های دولت، نقطه عطفی

در تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید؛ چرا که روند ساخت دولت با یک جنبش فراگیر توده‌ای همراه بود. انقلاب، توده‌های مختلف مردم را به «صحنه سیاست» راند. پس از چند دهه حکومت آمرانه که موجب انفعال و عقب‌ماندگی عمیق سیاسی شده بود، ناگهان تحرك سیاسی بی‌سابقه‌ای آغاز شد که در مواردی به خشونت انقلابی کشیده شد. ساختارهای عمودی قدرت نه‌تنها در حوزه سیاست بلکه در دیگر سطوح و روابط اجتماعی همچون دستگاه‌های اداری فروپاشیده یا به شدت تضعیف شده بود؛ به یک معنا، قدرت اجتماعی به شدت افزایش یافته و قدرت سیاسی زوال یافته بود. با این حال قدرت اجتماعی به سبب تکثیر کانون‌های موازی قدرت، سرشتی به شدت سیال داشت و در خود قابلیت برخورد و تضاد را می‌آفرید. مراکز کار، پیاده‌روها و به خصوص اطراف دانشگاه‌ها و مدارس صحنه بحث و جدل سیاسی شده بود. در کشوری که تاچندی قبل اشاره به کلمه سیاست خطرناک بود نقد و تفسیر سیاسی به تمامی سطوح و روابط اجتماعی رسوخ کرد.

با عنایت به این که طیف و جریان اکثریت اسلامی ابتکار عمل را در ساخت نهاد‌های دولت جدید در دوره پس از انقلاب بر عهده گرفت، ویژگی‌های تاریخی و نهادی آن در این روند دخیل شد. ویژگی حرکت توده‌ای منتهی به انقلاب و توانایی‌های سازمانی و بسیج‌گری این نیروی اجتماعی، امکان نهادسازی از پایین بر بستر توانایی‌ها و تشکل‌های سنتی از پیش موجود را فراهم کرد.

«یرواند آبراهامیان» این تحول را به خوبی توضیح داده است: «به محض فروپاشی دولت، قدرت به دست کمیته‌ها افتاد. بیشتر این کمیته‌ها را به ویژه در استان‌های مرکزی شیعه نشین و فارسی زبان، روحانیون محلی طرف‌دار آیت‌الله خمینی رهبری می‌کردند. در این حال گروه‌های گوناگونی به شکل‌گیری کمیته‌ها کمک کردند؛ تجار ثروتمند به بازار کمک مالی می‌کردند؛ مغازه‌داران خرده‌پا، کالای مورد نیاز فقرا را به قیمت‌های پایین‌تری